

گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ یکشنبه ۱۲ مهر ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۲۲۶۴ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰۰ تومان

۲



مشاور پارلمانی رئیس سازمان بهزیستی:
امسال ۳۲۰۰ معلول استخدام می‌شوند



۳



گلستان در دوراهی «توسعه» یا «مانع تراشی»:
پشت پرده پرونده‌های سرگردان در اراضی ملی



۴



تکمیل خانه سالمندان به حمایت مجلس و
دولت نیاز دارد



یادداشتی بر سخنرانی عیسی امن‌خانی:

بحران شعر فارسی

» ۵ «



برای گرگان چه باید کرد

«یادداشت»

» ۷ «



آرامش کوتاه مدت، وابستگی

بلندمدت با گوشی

» ۸ «

ضرورت باز تعریف مفهوم رسانه

پایان عصر خبر



لیلا حسین زاده- در روزگاری که خبر دیگر در انحصار اتاق‌های خبر نیست و هر تلفن همراه می‌تواند به یک فرستنده اطلاعات تبدیل شود، رسانه حرفه‌ای ناگزیر است مأموریت خود را از خبررسانی صرف فراتر ببرد. ارزش رسانه امروز نه فقط در اینکه چه چیزی را زودتر منتشر می‌کند، بلکه در این است که از میان انبوه داده‌ها، چه چیزی را می‌بیند، چگونه راستی‌آزمایی می‌کند و تا چه اندازه می‌تواند تصویری روشن‌تر از واقعیت به مخاطب ارائه دهد. این مساله محور سخنان دکتر احسان مکتبی در نشست خبرنگان فرهنگی شورای مشورتی اطلاع‌رسانی استان گلستان بود؛ نشستی که در اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان و با حضور دکتر محمد حمیدی، معاون سیاسی و امنیتی استاندار گلستان و رئیس شورای اطلاع‌رسانی استان و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از خبرنگان رسانه گلستان برگزار شد. مکتبی با اشاره به تغییرات بنیادین در فضای ارتباطی، پرسش اصلی پیش روی رسانه‌های امروز را این‌گونه طرح کرد، وقتی هر شهروند می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان خبر تولید و منتشر کند، مزیت رسانه حرفه‌ای چیست؟ از این منظر، رسانه‌ای که صرفاً

بازنشرکننده اخبار باشد، به‌تدریج تمایز خود را از دست می‌دهد. مأموریت رسانه حرفه‌ای، به تعبیر این دیدگاه، باید به سمت تحلیل، تبیین، گزارش‌های اختصاصی و کشف مسائل اجتماعی حرکت کند؛ یعنی تبدیل اطلاعات پراکنده به فهمی منسجم و قابل اتکا. این تغییر البته فقط متوجه رسانه‌ها نیست. شیوه حمایت و ارزیابی رسانه‌ها، تربیت نیروی انسانی، جایگاه نهادهای صنفی و مدنی و شاخص‌های سنجش عملکرد نیز باید با این واقعیت جدید هماهنگ شود. میان رسانه‌ای که عمدتاً محتوای دیگران را بازنشر می‌کند و رسانه‌ای که برای گزارش، تحلیل و تولید محتوای اختصاصی سرمایه‌گذاری می‌کند، نمی‌توان تفاوتی قائل نشد. در این میان، اعتماد عمومی همچنان مهم‌ترین سرمایه رسانه است؛ سرمایه‌ای که از دقت،

صداقت، مسئولیت‌پذیری و استمرار رفتار حرفه‌ای شکل می‌گیرد. صاحب امتیاز روزنامه گلشن مهر با اشاره به اهمیت اطلاع رسانی گفت : من چند نکته بسیار مهم را مطرح می‌کنم که می‌تواند راه‌حلی برای مسائل موجود باشد. به نظر من مساله اطلاع رسانی سه بخش دارد: نخست، درک مفاهیم؛ دوم، سیاست‌گذاری؛ و سوم، اجرا. وی گفت: بخش عمده‌ای از صحبت دوستان تاکنون درباره حوزه اجرا بوده است، اما به نظر من شاید اصلی‌ترین مساله امروز، درک درست یک مفهوم باشد؛ مفهومی به نام اطلاع‌رسانی. مکتبی درباره ضرورت بازتعریف مفهوم رسانه و اطلاع‌رسانی یادآور شد: تا حدود یک دهه پیش، رسانه به یک ساختار، دستگاه یا مجموعه‌ای گفته می‌شد که وظیفه خبررسانی داشت

و در ذهن بسیاری از ما، «رسانه» با «خبر» همسان بود. در حالی که امروز، رسانه‌ای که صرفاً خبررسانی می‌کند، دیگر با چارچوب حرفه‌ای و ذهنی مخاطب امروز سازگار نیست. زیرا تقریباً همه با یک تلفن همراه؛ تلگرام، واتس‌آپ و ده‌ها ابزار و مسیر دیگر در لحظه خبر را منتقل می‌کنند. بنابراین شما به‌عنوان روزنامه‌نگار یا رسانه، اگر بخواهید صرفاً با همان تعریف یک دهه قبل فعالیت کنید، عملاً امکان رقابت ندارید.

بنابراین باید بپذیریم که خبر به معنای سنتی آن دیگر مزیت اصلی رسانه نیست. صاحب امتیاز روزنامه گلشن مهر افزود: رسانه‌هایی که صرفاً خبر تولید و بازنشر می‌کنند، از منظر علمی دیگر نمی‌توانند همان جایگاه گذشته را داشته باشند؛ به‌ویژه اگر این تغییر را درک نکنند بر این اساس رسانه‌هایی می‌توانند ماندگار باشند که تحلیل داشته باشند یا به تعبیر امروزی، «روایت»دقیق و درست ارائه کنند؛ البته روایتی که مبتنی بر تحلیل واقعی و فهم درست مسئله باشد. مکتبی ادامه داد: اکنون می‌بینیم که ما حتی در فهم همین کلمه «اطلاع‌رسانی» با یکدیگر اختلاف داریم.

ادامه در صفحه ۲

مرکز مشاوره

انجام نقشه مغزی و نوروفیدبک
و انواع تست های تشخیصی

کوثر قندهاری

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

گرگان، خیابان ولیعصر (شالیکویی)، عدالت ۱۳، ساختمان پزشکان قائم، طبقه چهارم، واحد ۱۵

☎ شماره تماس: ۰۹۳۹۷۶۳۰۹۵۱ ☎

یادداشت اول

شالیکاری

با آب آشامیدنی

■ با مسوولیت سردبیر

در خبرهای استان آمده است که فردی در شهرستان کردکوی به اتهام استفاده از آب شرب برای آبیاری شالیزار بازداشت شده است؛ پرونده‌ای که اگر چه در ظاهر درباره تخلف یک کشاورز است، اما در لایه عمیق‌تر، تصویری نگران‌کننده از وضعیت مدیریت آب و مرزهای مصرف منابع عمومی ارائه می‌دهد. به گفته ی دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کردکوی، متهم آب را در استخر ذخیره و سپس از طریق لوله به شالیزار منتقل می‌کرده است. موضوع زمانی جدی‌تر شده که اهالی روستا هم‌زمان با فشار کم آب و قطعی‌های مکرر و با کمبود آب مواجه بوده‌اند. آزمایش نمونه آب نیز، بنا بر اعلام مقام قضایی، وجود کلر و استفاده از آب شرب را تایید کرده است. اما عددی که در این خبر اعلام شده بسیار قابل توجه است، ۵ هزار و ۱۶۴ مترمکعب؛ حجمی که کارشناسان، میزان آب شرب مصرف‌شده برای آبیاری این شالیزار برآورد کرده‌اند. برای فهم بزرگی این رقم کافی است بدانیم در گزارش رسمی، این میزان معادل مصرف یک ماه ۴۰۰ خانوار اعلام شده است. یعنی آبی که باید به خانه‌ها می‌رسید، سر از شالیزار درآورده است. پرسش مهم این است که ۵۱۶۴ مترمکعب آب شرب چگونه از شبکه مصرف عمومی خارج شده و چه زمانی دیده شده است؟ اگر فشار آب خانه‌ها پایین آمده و قطعی‌ها تکرار شده، اما چنین حجمی برای مصرف غیرخانگی اختصاص یافته، باید علاوه بر مسئولیت فرد متخلف، سازوکار نظارت بر شبکه آب نیز مورد پرسش قرار گیرد. قطعاً برای این تخلف، برخورد قضایی بدون کوچکترین چشم پوشی و اغماض لازم است، آب شرب، سهم خصوصی هیچ‌کس نیست که بتوان آن را در استخر ذخیره کرد و به زمین کشاورزی برد؛ حق عمومی مردم است. جامعه‌ای که برای تامین چند ساعت آب آشامیدنی خانوارهایش مشکل دارد، نمی‌تواند نسبت به هدررفت هزاران مترمکعب آب شرب بی تفاوت بماند.

ادامه در صفحه ۲

ادامه یادداشت اول

شالیکاری با آب آشامیدنی

این پرونده از این جهت اهمیت بسیار دارد که هشداری جدی درباره ارزش آب و ضرورت نظارت بر آن است. این پرونده اما نباید فقط با صدور حکم برای یک متخلف بسته شود؛ چرا که مسئله اصلی، صیانت از شبکه‌ای است که منابع آن متعلق به همه شهروندان است. ضروری است مسیر ورود آب به

ادامه تیر اول

هنوز بسیاری از همکاران ما تصور می‌کنند اگر خبر را سریع‌تر منتشر کنند، کار رسانه‌ای خود را بهتر انجام داده‌اند؛ در حالی که امروز خبر دیگر تمام ماجرا نیست. آنچه مخاطب به آن نیاز دارد، تحلیل و فهم مساله است. شما اگر یک رسانه دارید، باید تحلیلگر داشته باشید. وی سپس به طرح این پرسش پرداخت که آیا خبرنگار همان تحلیلگر است؟ و گفت: معلوم است که نیست. تحلیلگر کسی است که سال‌ها مطالعه کرده، کار فکری و علمی انجام داده و به درکی از مسائل رسیده است؛ سپس می‌تواند آن مساله را برای مخاطب عام به شکلی قابل فهم و با نگاهی مدرن توضیح دهد. مخاطب ممکن است مجموعه‌ای از خبرها را دیده باشد، اما متوجه ارتباط میان آن‌ها و معنای واقعی‌شان نشده باشد. تحلیلگر باید بتواند همین فهم را به مخاطب منتقل کند. معاون اسبق سیاسی امنیتی استانداری گلستان در ادامه به مساله سیاست‌گذاری در رسانه پرداخت و با اشاره به ضرورت سیاست‌گذاری صحیح در حوزه رسانه گفت: به نظر من کاملاً آشکار است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سطح کلان و همچنین در استان‌ها، راهبرد روشن و مؤثری در حوزه رسانه ندارد؛ دست‌کم درباره استان گلستان می‌توان این مساله را به‌وضوح مشاهده کرد. وی درباره راهبرد گفت: راهبرد یعنی اینکه بتوانید داده‌های کیفی را به داده‌های کمی تبدیل کنید و به اینگونه جایگاه رسانه‌های برتر را تبیین کنید یعنی شما پس از سه ماه، شش ماه یا یک سال، شاخص و معیاری داشته باشید که بر اساس آن و با اتکا

به نظر عمومی جامعه و نخبگان بتوانید اعلام کنید که مثلاً در میان خبرگزاری‌ها، کدام ارتقا پیدا کرده؛ در میان رسانه‌های مکتوب کدام رسانه پیشرفت یا پس رفت کرده و در میان رسانه‌های مجازی نیز رسانه‌ای توانسته کیفیت خود را افزایش دهد. و آنگاه باید پرسید مبنای این ارزیابی چه باید باشد؟ وی تاکید کرد این شاخص را تنها می‌توان تولید کلمه سنجید. صاحب امتیاز گلشن مهر تاکید کرد: ما اکنون در «گلشن‌مهر» فعالیت می‌کنیم و روزانه حدود چهار هزار کلمه تولید می‌کنیم. تولید کلمه یعنی محتوایی که از منابع دیگر کپی و باز نشر نشده باشد و محصول کار فکری و تحلیلی یک انسان تحلیل‌گر است. این موضوع می‌تواند یکی از مبناهای سیاست‌گذاری برای ارتقای رسانه‌های تحلیل‌محور قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که همه رسانه‌ها بدانند در ارزیابی‌های سه‌ماهه یا شش‌ماهه، ملاک، میزان محتوای واقعی و تولیدشده توسط یک نیروی رسانه‌ای توانمند است، نه صرفاً تعداد مطالبی که با کپی و پست یا تولید ماشینی منتشر شده‌اند. و همین تولید کلمه می‌تواند مبنایی برای حمایت از مطبوعات و رسانه‌ها باشد، روشی معلوم، علمی و تبیین شده که به راحتی در دسترس است.

مکتبی ادامه داد: در حالی که امروز اگر رسانه‌ای تولید کلمه نکند، در بسیاری از موارد تفاوت چندانی با رسانه‌های تولیدگر ندارند. در حالی که باید میان رسانه‌ای که واقعا تولید محتوا می‌کند و رسانه‌ای که صرفاً باز نشر می‌کند، تفاوت وجود داشته باشد.

احسان مکتبی در بخش دیگری از سخنانش توجه به تربیت نیروی انسانی را بسیار پر اهمیت ارزیابی کرد و ادامه داد: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و شورای اطلاع‌رسانی باید بر تربیت نیروی انسانی تمرکز کنند در حالی تربیت نیروی انسانی در حوزه رسانه بسیار دست‌کم گرفته شده است. ما برنامه مشخص و مستمری برای تربیت نیروی

این شالیزار، مدت زمان ادامه این برداشت و نحوه شناسایی تخلف به‌صورت دقیق بررسی و برای افکار عمومی شفاف شود. اگر خلایبی در پایش، کنتورگذاری یا کنترل انشعابات وجود داشته، اصلاح آن باید بخشی از نتیجه این پرونده باشد. برخورد قضایی زمانی اثر بازدارنده واقعی خواهد داشت که

انسانی نداریم، اما از سوی دیگر انتظار داریم رسانه‌ها و خبرنگاران، جدیدترین و عمیق‌ترین تحلیل‌ها را به مردم ارائه کنند. مکتبی افزود: این در حالی است که شهروندان پیگیر و خواننده تحلیل خوب هستند و تحلیل خوب را نیز تحلیلگران خردمند و با سواد می‌نویسند؛ کسانی که مطالعه‌گر و اهل کار فکری هستند. اینک باید از خود پرسیم: واقعا چند تحلیلگر جدی و توانمند در رسانه‌های استان داریم؟ گاهی آنچه به‌عنوان تحلیل منتشر می‌شود، بیشتر شبیه انشاهای دبیرستان یا بیان مشکلات شخصی و سازمانی است و کمتر به معنای واقعی کلمه، تحلیل مسئله است. بنابراین برای «تولید کلمه» باید تربیت نیروی انسانی متخصص و تحلیلگر نیز در دستور کار قرار گیرد. مکتبی سپس به ضرورت شکل‌گیری نهادهای مدنی رسانه‌ای اشاره کرد و گفت: مساله دیگر آن است که کدام کشور یا کدام ساختار بدون نهادهای مدنی برخاسته از جامعه خود توانسته پیشرفت کند؟

اکنون نهادهای مدنی مطبوعاتی مان کجا هستند؟ نهاد های صنفی، انجمن مدیران مسوول و ...

مشکل دقیقاً همین‌جاست؛ نهادهای مدنی رسانه‌ای ما یا وجود ندارند یا به اندازه کافی فعال و اثرگذار نیستند. برای نمونه میزان اثرگذاری خانه مطبوعات استان دقیقاً کجاست؟ ما رسانه‌ای‌ها همواره به گونه‌ای صحبت می‌کنیم که گویی فقط مدیران کشور باید پاسخگو باشند. اما بد نیست یک‌بار هم کلاه خودمان را قاضی کنیم و ببینیم اشکال ما کجاست؟

مکتبی افزود: فرض کنید در گلستان حدود ۲۰۰ رسانه و پایگاه خبری و مطبوعاتی فعال وجود داشته باشد. به وقتی اتفاق مهمی در استان رخ می‌دهد، یک مدیر تغییر می‌کند، شخصیتی وارد استان می‌شود یا از استان می‌رود و یا حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، واقعا چند تحلیل جدی درباره آن نوشته می‌شود؟ چند تحلیل وجود دارد که

هم‌زمان با آن، نقاط ضعف نظارتی نیز شناسایی و برطرف شوند.

آب در گلستان به مسئله‌ای مستقیم با امنیت و کیفیت زندگی مردم تبدیل شده است. از همین رو، حفاظت از هر مترمکعب آب شرب، پیش از آنکه یک وظیفه اداری باشد، یک مسئولیت عمومی است.

مدیران ارشد استان آن را بخوانند و بر اساس آن، به درک دقیق تری از آن اتفاق برسند؟ این‌ها شوربختانه واقعیت‌های موجود رسانه‌های گلستان است. مکتبی ادامه داد: ما در روزنامه گلشن مهر هر روز نیازمند مطالب تولیدی هستیم، به همین خاطر علاقمندیم گاه در تیر نخست از خبرگزاری‌ها بهره ببریم اما این امر کمتر میسر می‌شود و علت آن نیز آن است که بنیان خبرگزاری‌ها بر خبر گذاشته شده است و ما در گلشن مهر مبتنی بر تحلیل تولید کلمه می‌کنیم. مکتبی گفت: هدف نهایی همه ما باید جلب اعتماد عمومی شهروندان باشد و نهادهای اطلاع‌رسانی باید بدانند که به هر شکل ممکن، باید در دل مردم نفوذ کنند و حرف خودشان را به گوش مخاطبان برسانند تا از رهگذر اطلاع‌رسانی آگاهانه، اعتماد و وجدان عمومی مردم را به دست آورند این مسئله اصلی‌ماست. وی یاد آور شد: ما در روزنامه «گلشن‌مهر» ۲۸ سال است که فعالیت می‌کنیم و در این مدت ده‌ها مدیر و دولت را دیده‌ایم. اما مسئله اصلی‌ما همیشه این بوده که باید اعتماد عمومی مردم را جلب کنیم و کاری کنیم که مردم تحلیل‌های ما را بخوانند و به رسانه ما اعتماد کنند. تصور من این است که اهالی رسانه گلستان هنوز به این باور نرسیده‌اند که باید اعتماد عمومی را جلب کنند. وی تاکید کرد: باید ابتدا خودمان را بسازیم، دانش و توانایی خود را ارتقا دهیم و بعد از دیگران و مدیران بخواهیم که کار خود را بهتر انجام دهند. این روزنامه نگار گلستانی در پایان گفت: اگر ما قدرتمند نباشیم، کسی ما را جدی نمی‌گیرد و به بازی نمی‌گیرد. این واقعیت دنیای امروز است. قدرت رسانه، به داشتن تحلیل، توانایی نوشتن تحلیل، برخورداری از نیروهای توانمند و داشتن افرادی است که بتوانند تحلیل‌های مدرن، دقیق و پیشرو ارائه کنند. اگر این اتفاق نیفتد، آینده رسانه در استان از آنچه امروز هست نیز ناپس‌مان‌تر خواهد شد.

مشاور پارلمانی رئیس سازمان بهزیستی:

امسال ۳۲۰۰ معلول استخدام می‌شوند



اضافه کرد: برنامه مهم و دیگر سازمان بهزیستی کشور برای زنان سرپرست خانوار در مناطق شهری، روستایی و عشایری است که تمامی آنها تحت پوشش بیمه قرار خواهند گرفت. وی همچنین از تصویب انجام برخی اقدامات برای مددجویان بهزیستی گنبدکاوس در سال جاری نیز خبر داد و گفت: ۱۰۸ فرصت شغلی با پرداخت ۴۷۰ میلیارد ریال تسهیلات، پرداخت ۵۰ درصد حق بیمه ۱۴۶ مددجو، افزایش بدون محدودیت مراکز مثبت زندگی، پرداخت وام ازدواج به ۳۰ درصد مددجویان، اهدای کارت سفر به ۲۶ مددجو و اهدای کمک هزینه خرید تجهیزات توانبخشی برای ۳۱۰ نفر در این شهرستان پیش بینی شده است. آریا با تاکید بر ضرورت نوسازی ساختمان قدیمی بهزیستی گنبدکاوس، ادامه داد: موافقت سازمان بهزیستی برای تحقق این امر از محل منابع مولدسازی و برخی منابع ملی انجام و در آینده‌ای نزدیک عملیات اجرایی آن شروع خواهد شد. اداره بهزیستی شهرستان گنبدکاوس با بیش از ۴۰۰ هزار نفر جمعیت، افزون بر ۱۲ هزار مدجو در سه بخش اجتماعی، توانبخشی و معلولین جسمی و حرکتی تحت حمایت دارد.

کارفرمایان و اریز خواهد کرد. آریا از برنامه‌ریزی سازمان بهزیستی برای پرداخت کامل حق پرستاری معلولان مشمول دهک یک درآمدی و نیز معلولان ضایع نخاعی سراسر کشور خبر داد و افزود: سقف حق پرستاری حدود ۸۰ میلیون ریال است که امسال به معلولان واجد شرایط پرداخت خواهد شد. وی

با ظرفیت ۶۰۰ معلول اجرا شود. مشاور رئیس سازمان بهزیستی در امور مجلس همچنین به تهیه بسته‌های تشویقی برای کارفرمایان و صاحبان مشاغل خصوصی که اقدام به بکارگیری معلولان کنند، اشاره کرد و گفت: ۵۰ درصد حق بیمه و حقوق پرداختی این افراد را بهزیستی به حساب

مشاور رئیس سازمان بهزیستی در امور مجلس شورای اسلامی از فراهم شدن شرایط استخدام ۳۲۰۰ نفر از جامعه معلولان کشور در دستگاه‌های اداری و اجرایی از طریق آزمون اختصاصی ویژه این قشر خبر داد و بیان کرد: استخدام این افراد در راستای اجرای قانون سه درصد سهمیه اشتغال معلولان در ادارت و نهادهای و آزمون آن نیز برای دومین سال متوالی برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی، محمدکریم آریا در حاشیه بازدید از ساختمان بهزیستی گنبدکاوس گفت: آزمون امسال که عملیات ثبت نام متقاضیان درحال برگزاری است، توسط سازمان بهزیستی آبان ماه سالجاری برگزار خواهد شد. وی با گله از اجرای ناقص قانون سه درصد جذب معلولان در ادارات و نهادهای توسط برخی دستگاه‌های اجرایی، افزود: سال گذشته هم ۴۵۰۰ نفر از جامعه معلولان کشور از طریق آزمون اختصاصی، استخدام شدند. آریا همچنین از فراهم شدن تمهیدات لازم برای اشتغال معلولان با درجه معلولیت سخت، شدید و بست‌رگا در برخی استان‌های کشور خبر داد و اضافه کرد: یکی از این تمهیدات احداث مزارع تولید انرژی خورشیدی در قالب شرکت تعاونی است که در استان گلستان



مطابق خواست ما باشد. جامعه‌ای که در آن هر کس فقط برای «خودی»ها حق و قانون تعریف کند، دیر یا زود اعتماد عمومی را از دست خواهد داد. امروز بیش از همیشه به عقلانیت، انصاف و خویشتنداری نیاز داریم. اختلاف نظر طبیعی است؛ اعتراض هم حق است؛ اما نباید در بحبوحه فشارها و تهدیدهای خارجی، انرژی و سرمایه اجتماعی کشور را صرف جنگ داخلی سیاسی و متهم کردن یکدیگر کنیم. دشمن اگر دشمن است، با وحدت و قانون‌مداری باید در برابرش ایستاد؛ و اگر در داخل خطایی رخ داده، با نقد مستند و از مسیر قانونی باید اصلاحش کرد. نه اینکه برای حذف یکدیگر، همه مرزهای اخلاق، انصاف و قانون را پشت سر بگذاریم. امروز بیش از آنکه به صدای بلند نیاز داشته باشیم، به گوش شنوا، زبان منصف و دل آرام نیازمندیم.

این روزها بیش از آنکه نگران رفتار دشمن باشیم، گرفتار جدال با یکدیگر شده‌ایم؛ گویی برخی گوش‌ها را برای شنیدن صدای دشمن بسته و چشم‌ها را برای پیدا کردن خطای خودی باز کرده‌اند. نقد یک حکم قضایی حق هر شهروند و صاحب‌نظری است؛ اما میان نقد منصفانه و حقوقی با هجمه، اتهام‌زنی و زیر سؤال بردن اصل نظام تصمیم‌گیری فاصله‌ای جدی وجود دارد. اگر هر حکمی که مطابق میل ما نبود، بهانه‌ای برای متهم کردن قاضی، دستگاه قضایی و زمین و زمان شود، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. سؤال مهم این است: اگر همین رفتار را جناح یا جریان سیاسی رقیب انجام می‌داد، آیا همین افراد سکوت می‌کردند یا آن را نشانه بی‌قانونی، ساختارشکنی و تضعیف نظام می‌دانستند؟ مشکل از جایی آغاز می‌شود که قانون را تا زمانی می‌پذیریم که نتیجه‌اش

از نقد حکم تا تخریب قانون



ابراهیم مهدوی

دغدغه اصلی آنجاست که گاهی به نظر می‌رسد «نام مقدس حفاظت»، پوششی برای رفتارهای سلیقه‌ای و بروکراسی‌های فرساینده شده است. گزارش‌های متعدد از سوی فعالان اقتصادی نشان می‌دهد که برخی پرونده‌های سرمایه‌گذاری، ماه‌ها و بلکه سال‌ها در پیچ و خم استعلامات و تاییدیه‌های منابع طبیعی معطل می‌مانند؛ پرونده‌هایی که قرار بود چرخ تولید را بچرخانند، اکنون در قفسه‌های بایگانی خاک می‌خورند.

زمن‌های نگران‌کننده از «مطالبات غیر شفاف»

آنچه این وضعیت را نگران‌کننده‌تر می‌کند، اظهارات جسته و گریخته برخی سرمایه‌گذاران مبنی بر وجود گره‌های «خودساخته» در مسیر پروژه‌هاست. شنیده‌ها حاکی از آن است که در حاشیه برخی از این بن‌بست‌های اداری، ردپای واسطه‌ها و افرادی دیده می‌شود که با وعده «تسهیل امور» یا «رفع مشکل پرونده»، مسیرهای غیرقانونی و مطالبات غیرشفاف را پیش پای متقاضیان می‌گذارند. اینکه چرا یک پروژه شفاف سرمایه‌گذاری باید با کارشکنی و سنگ‌اندازی مواجه شود تا در نهایت به «بن‌بست» تمنا برسد، پرسشی است که افکار عمومی انتظار دارند دستگاه‌های نظارتی و بازرسی استان با قاطعیت به آن پاسخ دهند. آیا دست‌هایی در کار است تا با ایجاد مانع ارادی، سرمایه‌گذار را مستاصل و مجبور به پیمودن راه‌های غیرقانونی کنند؟

هزینه‌ی سنگین «فرار سرمایه» برای اشتغال استان

استان گلستان دیگر تاب از دست دادن فرصت‌های شغلی را ندارد. هر پرونده‌ای که به دلیل سخت‌گیری‌های بلاوجه یا زیاده‌خواهی‌های احتمالی در مراجع ذی‌ربط متوقف می‌شود، در حقیقت ضربه‌ای به سفره کارگران و جوانان جویای کار در این منطقه است. بدنه مدیریتی استان باید میان «سرمایه‌گذار واقعی که قصد تولید دارد» و «زمین‌خواری که قصد تصرف اراضی ملی را دارد» تفاوتی قائل شود که در آن، قانون حاکم باشد نه سلیقه یا منافع شخصی.



گلستان در دوراهی «توسعه» یا «مانع تراشی»:

پشت پرده پرونده‌های سرگردان در اراضی ملی

استان گلستان با دارا بودن گنجینه‌های عظیم جنگلی و موقعیت استراتژیک جغرافیایی، همواره پتانسیل تبدیل شدن به قطب اقتصادی شمال کشور را داشته است. اما امروز، نگاهی به سیمای اشتغال و شاخص‌های اقتصادی استان نشان می‌دهد که میان ظرفیت‌های موجود و واقعیت‌های اجرایی، شکافی عمیق دهان باز کرده است. در حالی که شعار سال و سیاست‌های کلان کشور بر «مانع‌زدایی از تولید» و «حمایت از سرمایه‌گذاری» تأکید دارد، شنیده‌ها از برخی راهروهای اداری در استان، حکایت از داستانی متفاوت دارد.

صیانت از منابع طبیعی؛ بهانه یا واقعیت؟

حفاظت از جنگل‌های هیرکانی در مناطقی همچون کردکوی و پهنه‌های شرقی استان، یک وظیفه ملی و مطالبه تغییرناپذیر مردم گلستان است. اما



مطالبه از متولیان امر

اکنون زمان آن رسیده است که مدیریت ارشد استان و دستگاه‌های صیانتی و بازرسی، ورود جدی به وضعیت «پرونده‌های سرگردان» در حوزه‌های منابع طبیعی و اراضی ملی داشته باشند. شفاف‌سازی فرآیند صدور مجوزها، حذف واسطه‌های نامرئی و برخورد قاطع با هرگونه کارشکنی که بوی فساد یا سلیقه‌محوری می‌دهد، تنها راه بازگرداندن اعتماد به بخش خصوصی است. گلستان برای شکوفایی، نیازمند «نگاه صیانتی واقع‌بینانه» است، نه سنگ‌اندازی‌هایی که به بهانه قانون، مسیر قانون‌شکنی را هموار می‌کنند.

نام نویسنده محفوظ است

گلستان ظرفیت مناسبی برای توسعه پرورش ماهیان سردابی دارد

استان گفت: این مجموعه با استفاده از آب رودخانه و در محیطی مناسب، در زمینه پرورش ماهی قزل‌آلا فعالیت می‌کند و شرایط منطقه برای پرورش ماهیان سردابی مناسب است. کیان‌مهر ادامه داد: در این مجتمع با استفاده از امکانات و تغذیه مناسب، ماهی قزل‌آلا در شرایط مطلوب پرورش داده می‌شود و این ظرفیت می‌تواند به عنوان بخشی از ظرفیت‌های اقتصادی استان مورد توجه قرار گیرد. وی با تأکید بر ضرورت حمایت از سرمایه‌گذاری در حوزه آبریزی پروری خاطر نشان کرد: استان گلستان از ظرفیت‌های مناسبی برای توسعه این بخش برخوردار است و از سرمایه‌گذارانی که علاقه‌مند به فعالیت در حوزه پرورش آبزیان هستند، حمایت و همکاری لازم صورت خواهد گرفت. معاون اقتصادی استاندار تصریح کرد: توسعه این‌گونه فعالیت‌ها در کنار استفاده از ظرفیت‌های طبیعی استان، می‌تواند به ایجاد فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری و تقویت زنجیره تولید در بخش کشاورزی و آبریزی کمک کند.



معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان با اشاره به ظرفیت‌های استان در حوزه اقتصاد دریا محور گفت: شرایط اقلیمی، مرز دریایی و منابع آبی گلستان، زمینه مناسبی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی از جمله پرورش ماهیان سردابی فراهم کرده است. به گزارش روابط عمومی، عبدالعلی کیان‌مهر در بازدید از نخستین زنجیره خدمات کشاورزی گلستان، اظهار کرد: اقتصاد دریا محور یکی از موضوعاتی است که از ابتدای فعالیت دولت و در برنامه هفتم توسعه مورد تأکید قرار گرفته و استان گلستان نیز با توجه به ظرفیت‌های طبیعی خود، زمینه مناسبی برای فعالیت در این حوزه دارد. وی افزود: گلستان با برخورداری از بیش از ۹۰ کیلومتر مرز دریایی، رودخانه‌های متعدد و شرایط اقلیمی مناسب، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه فعالیت‌های مرتبط با اقتصاد دریا محور، به‌ویژه در حوزه پرورش آبزیان دارد. معاون اقتصادی استاندار با اشاره به بازدید از یک مجتمع پرورش ماهی در جنوب



جایگاه رسول خدا در اندیشه مولانا



محمد علی خالدیان

مولانا به جهت ارادت خاصی که به پیامبر اسلام دارد در مواضع متعددی در مثنوی به مناسبت های مختلف از حضرت رسول یاد کرده است و از جمله در بحث (علت) هر چند مولانا به امور عقلی علاقه ی زیاد نشان نمی دهد ولی گاهی مباحث عقلی و فلسفی را برای طرح مسائل و معارف بلند مطرح می کند از جمله ان ها مبحثی هست که ارسطو مطرح کرده به عنوان علت های چهارگانه که در هر کاری چهار علت وجود دارد. به عنوان مثال در ساختن میزی این چهار علت عبارتند از تخته ها که علت مادی است و نجار علت فاعلی است و نظم خاصی که نجار به تخته ها می دهد علت صوری است و استفاده ی که از میز برده میشود علت غایی است و علت غایی خودش علت است برای علت فاعلی و فایده بردن از میز و استفاده های که از میز می شود شخص را تحریک میکند که میز را بسازد پس علت غایی، به حسب وجود ذهنی، علت، علت فاعلی است ولی بر حسب وجود خارجی علت غایی، معلول، علت فاعلی هست و یا در مثال دیگری انسان تا فایده قلم را تصور نکند آن را نمی خرد، پس فایده بردن از قلم بر حسب وجود ذهنی همان تصور ذهنی فایده قلم انسان را تحریک می کند که قلم را بخرد و از طرف دیگر وجود خارجی فایده قلم، همان استفاده هایی است که از قلم در هنگام نوشتن می شود، این استفاده ها که از قلم برده می شود

مولود و معلول خریدن قلم است پس (علت غایی) به حسب وجود ذهنی، علت برای علت فاعلی است ولی بر حسب وجود خارجی معلول آن است خود مولانا مثال به رابطه میوه و درخت می آورد و می گوید آنچه که انسان را وادار به کاشتن درخت می کند دستیابی به میوه است پس استفاده از میوه، انسان را تحریک می کند که درخت بکارد ولی دستیابی به میوه و تناول آن که دراول در ذهن انسان است و او را وادار به غرس درخت می کند در آخر و پس از غرس درخت و مراحل بعدی به دست می آید بنابر این مقدمه حضرت رسول هم از نظر تقدم در علم خداوند مقدم بوده است ولی بر حسب وجود خارجی پس از همه پیامبران پا به صحنه وجود نهاده است، لذا ایشان هم اول اند و هم آخر، اول اند از این جهت که سبب پیدایش پیامبران است به بیان دیگر دستیابی به ظهور و بعثت ایشان علت، پیدایش پیامبران دیگر است پس پیامبر اسلام هم اول است و هم آخر و علت غایی آفرینش است مولانا در این باره می گوید (رمز نحن الاخرون باش ای ظریف / برشجر سابق بود میوه طریف /) (گر به صورت من زادم زاده ام / من به معنی جد جد افتاده ام) (نام احمد نام جمله ی انبیا است / چون که صد آمد، نود هم پیش ماست) این بیت بر حسب ظاهر به مقام بلند معنوی و جامعیت و خاتمیت حضرت اشاره دارد

معنی ظاهری بیت این است که همچنان که عدد صد، شامل آحاد و عشرات (یکان ها و دهگان های) پیش از خود می شود و همهی آن اعداد در عدد صد، موجود اند به همین منوال نام حضرت رسول نام و کمالات همه ی پیامبران را در خود دارد. نکته ی دیگری در آن درج است، این است که کلمه (محمد) طبق حروف ابجد مساوی با بیست است حرف (م) ۴ است و حرف (ح) ۸ است و دو حرف (م) بعدی با هم ۸ است که می شود بیست و صورت ریاضی آن این گونه است :

$$4 + 8 + 4 = 20$$

عدد بیست را که شماره ی لفظ محمد می باشد را در خود ضرب می کنیم :

$$20 \times 20 = 400$$

و حاصل ضرب ۴۰۰ را در شماره ی تعداد پیامبران مرسل (۳۱۳) بدون یکان آن یعنی ۳۱۳ منهای ۳ که برابر ۳۱۰ می باشد را ضرب می کنیم =

$$310 - 3 = 307$$

$$307 \times 400 = 122800$$

که شمار همه ی پیامبران و مرسلین است، و لفظ محمد دربرگیرنده ی همه ی آن بزرگواران است.

پژوهشگر و عضو هیات علمی دانشگاه

جهش ۱۵۷ درصدی تجارت کالا در گمرک اینچه برون

کانتینری محسوسی وجود نداشت اما امروز شاهد استقرار و تردد بیش از هزار و ۵۰۰ کانتینر در این منطقه هستیم. وی افزود: خط ریلی اینچه برون، اتصال مستقیم به کریدور ریلی چین، روسیه و کشورهای آسیای میانه را رقم زده و باعث شده تجار و بازرگانان کشور بار و کالاهای خود را از مسیر این گمرک وارد کشور کنند به گونه ای که پویایی آن شبیه به گمرکات بزرگ جنوب کشور شده است. معاون استاندار گلستان با اشاره به جذب سرمایه گذاری ۱۰ میلیون دلاری و توافق راهبردی ۶۰۰ هکتاری با راه آهن، گفت: با تدبیر استاندار و جذب سرمایه گذار بخش خصوصی، بزرگترین پایانه صادراتی کشور در محوطه ای به مساحت ۱۲ هکتار و با سرمایه گذاری بیش از ۱۰ میلیون دلار در کمتر از ۱.۵ سال در مرز اینچه برون ساخته شد که بار سنگین ترانزیت را مدیریت می کند. کیان مهر اظهار کرد: با پیگیری های ویژه و ورود معاونت حقوقی ریاست جمهوری، اختلاف چندساله بین راه آهن و منطقه آزاد حل و فصل شد و با امضای تفاهم نامه ای راهبردی با حضور وزیر راه و شهرسازی، ۶۰۰ هکتار زمین برای توسعه خطوط ریلی و زیرساخت های تجاری به راه آهن واگذار گردید.



جزو مناطق آزاد ده گانه جدید کشور است و تدوین اساسنامه و ساختار اداری آن زمان می برد اما وضعیت امروز منطقه آزاد با ماه های گذشته قابل مقایسه نیست به عنوان نمونه تا ۶ ماه قبل تردد

با بازدید میدانی استاندار گلستان از مرز آغاز شده و با جدیت ادامه دارد. کیان مهر با مهم دانستن رونق تاریخی مرز و گمرک اینچه برون در جهش ترانزیت کالا در شمال کشور، بیان کرد: اگرچه اینچه برون

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان از جهش ۱۵۷ درصدی تجارت در گمرک اینچه برون و ترخیص کالا در کمترین زمان ممکن خبر داد و گفت: در ۶ ماهه امسال حجم مبادلات و ورودی کالا در گمرک اینچه برون به بیش از ۱۲۳ میلیون و ۷۸۵ هزار دلار رسید که در مقایسه با مدت مشابه، نشان دهنده رشد کم نظیر ۱۵۷ درصدی است. به گزارش روابط عمومی، عبدالعلی کیان مهر اظهار کرد: برخلاف برخی گمرکات کشور که کالاهای ماه ها و سال ها رسوب می کنند در اینچه برون رسوب کالا وجود ندارد و با پذیرش گواهی مبدأ، واردات مواد غذایی در سریع ترین زمان ممکن (سه تا چهار روز و حتی کمتر) ترخیص می شود. وی فعالیت گمرک منطقه آزاد اینچه برون را گام بلند گلستان برای جهش تجاری و اقتصادی دانست و گفت: مرز و گمرک اینچه برون از گذشته فعال و مستقل بوده اما با استقرار و شکل گیری ساختار «منطقه آزاد تجاری-صنعتی»، این گمرک جایگاه و پویایی بسیار بهتری پیدا کرده است. معاون استاندار گلستان تاکید کرد: منطقه آزاد اینچه برون از پروژه های اولویت دار استان است که پیگیری ویژه و عملیاتی سازی آن از همان روزهای نخست آغاز به کار دولت چهاردهم

انتظار می رود کمیسیون اجتماعی مجلس، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی نیز در تامین اعتبار و تکمیل ساختمان این مجموعه حمایت لازم را داشته باشند. حمیدی همچنین بر تهیه طرح جامع و مشخص شدن مراحل اجرایی پروژه تاکید کرد و گفت: ارائه یک طرح جامع می تواند زمینه استفاده از ظرفیت خیران، مسوولیت های اجتماعی و اعتبارات ملی را برای تکمیل این مجموعه فراهم کند. اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در سفر به استان گلستان حاشیه نشینی، مسائل اجتماعی و مشکلات بازنشستگان تامین اجتماعی و کارگری را بررسی و جمع بندی می کنند و مطالبات استان برای پیگیری و تامین اعتبار به وزارتخانه های مربوط فرستاده خواهد شد.

غزاله صیدانلو- معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان بر حمایت مجلس و دستگاه های ملی از پروژه خانه مهر گرگان تاکید کرد و گفت: با توجه به روند افزایش جمعیت سالمندان در کشور و گلستان، تکمیل این مجموعه از ضرورت های اجتماعی استان است و باید در زمره اولویت ها قرار گیرد. به گزارش ایرنا، محمد حمیدی روز جمعه در بازدید از روند ساخت خانه سالمندان گرگان به همراه اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاون سازمان بهزیستی با اشاره به سابقه طولانی اجرای این پروژه و ضرورت توجه به نیازهای آینده سالمندان، گفت: گلستان برای تامین زیرساخت های مورد نیاز پروژه از جمله راه و گاز پیگیری های لازم را انجام خواهد داد. وی افزود:

تکمیل خانه سالمندان به حمایت مجلس و دولت نیاز دارد



یادداشتی بر سخنرانی عیسی امن‌خانی:

بحران شعر فارسی

مهران موذنی

در گلشن مهر، دوشنبه، ۶ مهر، گزارشی از سخنرانی دکتر عیسی امن‌خانی تحت عنوان «بحران شعر فارسی» منتشر شد که در آن، به‌خوبی به علل افول جایگاه شعر فارسی پرداخته شد. دکتر امن‌خانی به‌درستی حاکمیت نثر در مدرنیته، گسست میان ادبیات اروپا و تجربه اجتماعی ایرانیان و افول مرجعیت اجتماعی شاعران را به‌عنوان عوامل کلی این افول برشمردند. نوشته‌ای که اکنون می‌خوانید، متنی تکمیلی بر سخنرانی ایشان است. گفتنی است که هر یک از مواردی که در این نوشته به آن‌ها پرداخته خواهد شد، به‌تنهایی عامل اصلی و شرط کافی افول جایگاه شعر در دنیای امروز نیستند؛ بلکه یکی از علل آن در نظر گرفته شده‌اند.

مدارس مدرن

تا پیش از ظهور مدارس مدرن، مکتب‌خانه‌ها، حوزه‌ها (مدارس علوم دینی) و... دروسی مانند قرآن و علوم ادبی، نقلی، عقلی، ریاضی و طبیعی را شامل می‌شدند. البته برخی از این موارد تخصصی بودند که هرکسی به مرتبه تحصیل آنان نمی‌رسید. کودکان در مکتب‌خانه‌ها، نهایتاً همان قرآن، حساب، زبان و شعر فارسی، عربی مقدماتی و احکام و دعاها را فرا می‌گرفتند. احمد کسروی در کتاب «تاریخ مشروطه ایران» می‌گوید: «اما مکتب‌ها، نخست باید دانست که جز از «ایمان»ها و توانگران و بازرگانان فرزندان خود را بدرس خواندن نفرستادندی، و اینان جز خواندن و نوشتن که در دربار و بازار بکارشان آید نخواستند. دانشهایی که امروز هست نبود، و توده‌ای انبوه بدرس نیاز نداشت. از آنسوی در مکتب‌ها برای یاد دادن الفبا یک شیوه‌ی نارسا و نادرستی در میان می‌بود، و یکسال کمابیش میخواست تا شاگرد الفبا را نیک شناسد و کلمه‌هایی را خواندن و نوشتن تواند. بچه چون بمکتب رسیدی نخست درس الفبا خواندی، و پس از آن «جزو عم» (جزو بازپسین قرآن) را از سوره‌ی «قل اعوذ» آغاز کردی، و پس از آن باز مانده‌ی قرآن را (آن نیز بوراونه، و از آغاز بانجام) خواندی، و پس از آن کتابهای گلستان، و جامع عباسی، و نصاب، و ترسل، و ابواب جنان، و تاریخ نادر، و تاریخ معجم راه یکی پس از دیگری درس خواندی، و بدینسان زبان یاد گرفتی، و پس از چند سال باین نتیجه رسیدی که فارسی را خواندن و نوشتن توانی.» (۱) و این یعنی باید در نظر داشته باشیم که در ایرانی که هنوز رنگ و بوی مدرنیته را نچشیده بود، شعر و ادب فارسی جزو معدود علوم می‌بود که در مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌شد. اما رفته‌رفته، با ظهور دارالفنون، مدارس جدید و در

نهایت، دانشگاه‌ها، علوم جدید جایگاه خودشان را در نظام آموزشی ایران یافتند. به دیگر سخن، جا را برای شعر فارسی تنگ کردند.

اقتصاد

نکته حائز اهمیتی وجود دارد که نباید از قلم انداخت: شاعر از منظر اقتصادی، نه آنچنان سرمایه می‌آفریند و نه گردش مالی ایجاد می‌کند. در گذشته که هنوز اثری از علم مدرن اقتصاد و سیستم‌های اقتصادی نبود، بسیاری از شعرا یا جذب دربار می‌شدند و یا با سرایش قصیده‌ای، صلت می‌گرفتند. البته در دوره‌های مختلف، شعر بیش از پیش به کوچه و خیابان راه یافت و کار به جایی کشید که شعرا حسرت ادواری مثل دوره سلطنت سلطان محمود را می‌خوردند. مانند جناب خاقانی که در یکی از قطعات دیوانش می‌گوید:

به دور کرم بخششی نیک دید
ز محمود کشورستان عنصری
به ده بیت صد بلدره و برده یافت
ز یک فتح هندوستان عنصری
شنیدم که از نقره زد دیگدان
ز زر ساخت آلات خوان عنصری
شنیدم که از نقره زد دیگدان
ز زر ساخت آلات خوان عنصری
اگر زنده ماندی در این دور بخل
خسک ساختی دیگدان عنصری
نخوردی ز خوان‌های این مردمان
پری‌وار جز استخوان عنصری
به بوی دو نان پیش دوان شدی
زدی بوسه چون پرنیان عنصری
ز تیر فلک تیغ چستی نداشت
چو من در نیام دهان عنصری (۲)

هرچند که خود خاقانی نیز در زمان حیاتش مدح حکام بسیاری را گفت و گویا از صلت‌های بسیاری نیز بهره برد. امروز دیگر پیشه شاعری به اندازه دوره خاقانی نیز برای امرار معاش کافی نیست. در عصر سرمایه، آنچه که گردش مالی بیشتری ایجاد می‌کند، اهمیت دارد. امروز ارزش افزوده حرف اول را می‌زند. از این رو، نمی‌توان انتظار داشت که در دانشگاه‌ها از زبان

و ادبیات فارسی استقبال بیشتری شود تا پزشکی و مهندسی کامپیوتر. البته باز هم لازم می‌دانم که اشاره کنم این موضوع به‌تنهایی نمی‌تواند علت اصلی افول جایگاه شعر فارسی باشد. چرا که در دوره سبک‌های و دوره‌های بعدی، شعرای غیردرباری زیادی وجود داشتند که با وجود ظلمت فقر، در آسمان شعر فارسی درخشیدند. با این حال، نمی‌توان از اهمیت این مورد صرف نظر کرد.

شعر سپید

احمد شاملو چنان جایگاه رفیعی در شعر معاصر فارسی دارد که اگر غرض‌ورزی‌های سیاسی – و بعضاً به‌جا – را درباره او کنار بگذاریم، نمی‌توانیم انکارش کنیم. اما اصرار بر بر شعر سپید، آسیب‌هایی نیز به همراه داشت. هوشنگ ابتهاج در کتاب «پیر پرنیان‌اندیش» می‌گوید: «جز شاملو که هم به خاطر استعدادش و هم به خاطر مضمون شعرهاش و هم به خاطر تصوراتی که تو ذهن عده‌ای هست موفق بوده، شعر بی‌وزن ناکام بوده. تو این پنجاه سال این همه دفتر شعر به این شیوه چاپ شده، حاصلش چی؟ عقیم بود این روش. شما آگه به شاملو نمره‌ی صد بدین، به نفر دوم به زحمت می‌تونین نمره‌ی دو یا یک بدین. تازه معلوم نیست که نفر دوم بعد از شاملو کیه. این معنالش چیه؟» (۳) اما چطور کار به

اینجا کشید؟ در گذشته، برای ورود به سرزمین شعر ضروری بود که از دروازه‌های عروض و قافیه بگذرند و به این منظور، باید با دیوان‌ها و منظومه‌های حاکمان این سرزمین دمخور می‌شدند. شعر سپید به‌مثابه یک قیچی، این طناب ضرورت را بُرید. این‌گونه شد که امروز برای شاعر شدن، روخوانی چند سطر/بیت شعر، تلفظ کلمات قلمبه‌سلمبه، کشیدن سیگار و صحبت از الهامات شاعرانه کافی است. ما تسلط پایین جناب شاملو – که گل سرسبد این جریان است و با متون کهن دمخور بود – بر متنی مثل شاهنامه و نابلدی ایشان در امر تصحیح متنی مانند دیوان حافظ را از یاد نبرده‌ایم. وای به حال پیروان ایشان که دست‌کم، گلستان و بوستان را هم کامل تورق نکرده‌اند و از روخوانی متنی مثل شاهنامه فردوسی که شناسنامه شعر فارسی است، عاجزند! استاد محمدرضا شفیعی کدکنی نیز در این باره می‌گوید: «از سوی دیگر، نقطه‌ی مقابل رشید و طواط، «چیزها»یی‌ست که در عصر ما، در روزنامه‌ها به عنوان شعر یا شعر مثنوی یا شعر سپید، صفحات تمام مطبوعات را در نیم قرن اخیر پر کرده است: رسیدن به آزادی، آزادیی که مثل خای راه جلو پای هر متکلمی وجود دارد. هر کس بتواند چند جمله فارسی بنویسد، بی‌هیچ‌گونه عبور از مانع، یعنی حرف‌های روزمره را تبدیل به سطرهای پلکانی کردن و گفتن مثلاً که: «من ابرها را تماشا می‌کنم/ ابرها هم مرا تماشا می‌کنند» و این‌گونه عباراتِ روزمره را شعر نامیدن. راستی اگر این‌ها شعر است، پس چه چیزی شعر نیست؟» (۴)

شبه‌جریانات به قولی «آوانگارد»

اگرچه که اغلب نوآوران و بدعت‌گذاران ادبی با بی‌مهری سنت‌گرایان روبه‌رو شده‌اند، اما از یاد نبریم که هر گردی گردو نیست! نیما یوشیج، به‌عنوان بزرگ‌ترین بدعت‌گذار شعر معاصر فارسی، پس از چندی مورد استقبال جامعه و نظام آموزشی قرار گرفت. در دهه ۴۰، آرش کمانگیر سیلوان کسرابی به کتب درسی راه پیدا کرد و در دهه ۵۰، مهدی اخوان ثالث در دانشگاه تهران ادبیات معاصر تدریس می‌کرد. در همین دهه، شعرای این جریان ترانه‌ها و سرودهای انقلابی نیز سرودند و در حافظه تاریخی ایرانیان جا باز کردند. اگر نخستین تجربه یا عرض اندام عمومی نیما در قالب شعر نیمایی را شعر «فقنوس» در نظر بگیریم که سال ۱۳۱۸ سروده شد، شاعران این جریان، برای پیمودن مسیر مذکور به ۳ الی ۴ دهه زمان نیاز داشتند. امروز بیش از ۵ دهه از برخاستن موج نو و انتشار بیانیه شعر حجم می‌گذرد. اما این شاعران همچنان معتقدند که جامعه هنوز در سطح فهم اشعار «آوانگارد»شان نیست. شاعرانی که تنها برای خواصی «روشنفکر» شعر می‌گویند و نیازی به شناخته شدن در کوچه و خیابان و یافتن جایگاه در جامعه آکادمیک ندارند و همین که شبی از نوآوران اروپایی در حوزه ادبیات باشند را کافی می‌دانند. با این حال، جایگاه جهان‌نشان هم ذره‌ای با جایگاه جهانی نوآورانی مانند آندره برتون، لویی آراگون، تی. اس. الیوت و... قابل مقایسه نیست. چرا که نه پشتوانه فکری قدرتمند آنان را دارند و نه جامعه ایران تجربه تاریخی مشترکی با جوامع غربی داشته است. حتی اگر راه دوری نرویم و بخواهیم با بزرگان شعر و ادب فارسی نیز مقایسه‌شان کنیم، باید این سطور پریشان‌گل سرسبده‌شان، یداله رویایی را در مقابل بازی‌های زبانی حضرت مولانا بگذاریم:



«از تو سخن از به آرامی / از تو سخن از به تو گفتن / از تو سخن از به آزادی / وقتی سخن از تو می‌گویم / از عاشق از عارفانه می‌گویم / از دوست دارم / از خواهم داشت» به‌راستی که اگر چنین پریشان‌گویی‌ای شعر است، پس همه شاعرند! پس به قول استاد شفیعی کدکنی، چه چیزی شعر نیست؟ اما غرض از مقایسه این جریان‌های نه‌چندان نوظهور با جریان شعر نیمایی چیست؟ اینکه در نظر داشته باشیم که شعر نیما چنان هوای تازه‌ای برای ادبیات فارسی بود و توانست شاعران مطرحی را در دامانش پرورش دهد. نیما جریان‌ساز بود و امکانات زیادی را برای کندوکاو به شاعران پس از خودش داد. اخوان ثالث، فروغ، سهراب و... هر یک فانوسی دست گرفتند و مسیر تازه‌ای از این سرزمین را کشف کردند و – شاید از همه مهم‌تر – مخاطب ایرانی را نیز به همراه خود بردند. بی‌شک یکی از دلایل افول جایگاه شعر فارسی، فقدان نیماها و ظهور بی‌ثمر همین شبه‌جریانات به قولی «آوانگارد» است.

اینترنت

مدرنیته اگرچه که مزایایی چون گردش آزاد اطلاعات را همراه داشته، اما زخم عمیقی به شعر فارسی زده که انکارنشدنی است. اگر دست‌کم یک‌بار دیوان حافظ را به‌خوبی خوانده باشید، می‌دانید که جناب خواجه چه موضوعات خطرناکی را در پرده بیان کرده است. در تاریخ استبدادزده ایران، شعرای فارسی‌زبان برای فرار از خطرات سرایش اشعار سیاسی یا اعتقادی، همواره به نماد و استعاره پناه می‌بردند. به‌طوری که حتی ترانه‌های سیاسی‌ای که در زمان رژیم سابق منتشر می‌شد نیز این گزاره را تصدیق می‌کنند. چرا که شاعران مجبور بودند ابتدا از تیغ سانسور بگذرند. برای شعر فارسی که با احوالات تاریخی ایرانیان شکل گرفته، اینترنت به مانند سم می‌ماند. چرا که اشعار بی‌هیچ نظارت و نیازی به اخذ مجوز، در این فضا منتشر می‌شوند. کار به جایی می‌کشد که برخی اساتید که پیش‌تر در همین نوشته نیز از آنان یاد شد، چنان به صراحت‌گویی روی می‌آورند که حتی از بیان کلمات رکیک هم دریغ نمی‌کنند. اشعار و ترانه‌های اعتراضی دیگر نیازی به پرده ندارند. این معضل را می‌توان جهانی دانست. چرا که اینترنت و به طور عام، گردش آزاد اطلاعات پدیده‌ای جهانی است و از همین رو، افرادی مانند جان لئون و باب دیلن در آن سوی دنیا، ابایی از سرودن ترانه‌های اعتراضی صریح نداشته‌اند و مانند شاملو، «نازلی» را جایگزین «وارطان» و «آمان جان» را جانشین «آبایی» نمی‌کرده‌اند. از طرفی، کم‌رنگ شدن عرفان نیز قوزی بر بالای قوز مذکور بوده است. با ظهور مدارس مدرن در ایران – که پیش‌تر نیز اشاره شد – رفته‌رفته، عرفان در جامعه ایران کم‌رنگ شد و تبعاً، نماد و استعاره نیز حضور کم‌فروغ‌تری در شعر، این عرصه بروز اندیشه‌ها و تجربیات عرفانی، پیدا کردند.

سخن پایانی

در پایان، گفتنی است که بیان این موضوعات و پیوند زدن افول جایگاه شعر فارسی با ظهور مدرنیته، به منظور دعوت برای پس زدن آن و بازگشت به زندگی قجری نیست. بلکه صرفاً به قصد درک موقعیت فعلی و علل افول جایگاه شعر فارسی انجام شده است. ارائه راهکار برای برون‌رفت از این بن‌بست، بحثی دیگر است و نیاز به سواد و تخصصی بیش از این‌ها دارد.

منابع

- (۱) کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران (تهران: امیرکبیر)، گفتار یکم، صفحه ۱۹
- (۲) خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی، دیوان خاقانی شروانی (به‌کوشش ضیاء‌الدین سجاده)، قصیده ۳۳۳
- (۳) ابتهاج، هوشنگ، پیر پرنیان‌اندیش/ میلاد عظیمی و عاطفه طه در صحبت سایه (تهران، سخن)، صفحه ۹۰۹
- (۴) شفیعی کدکنی، محمدرضا، رستاخیز کلمات (تهران: سخن)، صفحه‌های ۲۴۳ و ۲۴۴

۳۶ کیلومتر از رودخانه های گنبد کاووس لایروبی شد



مدیر امور منابع آب گنبدکاووس گفت: حدود ۳۶ کیلومتر از طول رودخانه های این شهرستان مرزی باهدف پاکیزگی بستر و حریم این گذرگاه های آبی و جلوگیری از بروز خسارات احتمالی ناشی از سیلاب های فصلی پیش از شروع بارش های پاییزی و زمستان لایروبی شده است. به گزارش روابط عمومی، مجتبی عادلای افزود: این میزان لایروبی رودخانه های گنبدکاووس در سال جاری و با اعتبار ۱۶۵ میلیارد و ۲۵۴ میلیون ریال از منابع استانی و شهرستانی انجام شده است. وی اضافه کرد: از اعتبارات مصوب امسال امور منابع آب گنبدکاووس، ۱۴۶ میلیارد و ۳۵۴ میلیون ریال برای لایروبی رودخانه ها و ۱۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون ریال برای تثبیت بستر این گذرگاه های آبی بوده است. عادلای، لایروبی ۲۰۵ کیلومتر از رودخانه اوغان در محدود دو طرف پل بایلر با حجم خاکبرداری ۲۵ هزار متر مکعب، لایروبی ۱۰ کیلومتر از رودخانه بایرام شالی با حجم خاکبرداری ۱۰۰ هزار مترمکعب و لایروبی حدود ۳ کیلومتر از رودخانه قره تکن در محدود روستاهای مهدی

شهر اینچه برون به طول تقریبی ۲ کیلومتر انجام شده است. عادلای گفت: هم اکنون یک دستگاه بیل بازو بلند به صورت مستمر جهت لایروبی رودخانه اترک و برداشت به موقع حق آبه ایران از آورد این رودخانه مرزی درمحل مقسم داشلی برون مستقر است. وی از لایروبی ۱۸ کیلومتر از ۲ رودخانه «گرگانرود و چهل چای» واقع در قسمت شمالی و جنوبی شهر گنبدکاووس هم خبر داد و اضافه کرد: دیواره سازی بخشی از رودخانه گرگانرود در محدوده روستای «آق قایه» به طول ۴۵ متر و باهدف تثبیت بستر این رودخانه انجام شده است. مدیر امور منابع آب گنبدکاووس همچنین طول رودخانه های این شهرستان را ۳۵۰ کیلومتر اعلام کرد و گفت: از این مقدار ۱۲۰ کیلومتر آن نیاز به لایروبی دارد که ۲۰ کیلومتر آن در سال گذشته و ۳۶ کیلومتر دیگر هم امسال انجام شده است. عادلای افزود: در صورت تامین منابع اعتباری بقیه ۶۴ کیلومتر باقی مانده از لایروبی رودخانه های گنبدکاووس هم به تدریج انجام خواهد شد.

لایروبی رودخانه ها در بخش داشلی برون هم اشاره کرد و افزود: در این بخش مرزی هم تاکنون لایروبی و ساماندهی کانال بالا دست مقسم داشلی برون در رودخانه اترک به طول تقریبی ۴۰۰ متر و لایروبی بخشی از کانال تالاب سد آلماکل در محدوده

امور منابع آب گنبدکاووس ادامه داد: لایروبی مناطق بالادست و پایین دست پل شهرک شهید بهشتی در بخش مرکزی این شهرستان هم در دستور کار قرار دارد که در صورت تامین ماشین آلات، عملیات اجرایی آن آغاز خواهد شد. وی به اقدامات این مدیریت در

آباد و سلاقی غائب هر سه در حوزه بخش مرکزی گنبدکاووس را از جمله اقدامات مدیریت امور منابع آب این شهرستان در سال جاری اعلام کرد و گفت: بخش اندکی از لایروبی دو رودخانه اوغان و قره تکن هم باقی مانده که در حال انجام است. مدیر

آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۲۶۰۸۰۰۳۲۶۶ تاریخ ۱۴۰۵۰۵۰۵۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۱۵۸۱ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی مهیار یقه فرزند اراز محمد شماره شناسنامه و کدملی ۴۹۷۰۲۵۴۰۰ صادره آق قلا در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۵۰ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳۳ فرعی از ۲۲ اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه کرد، بخش ۱۲ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی سند مالکیت مشاعی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنویت اول: شنبه ۱۴۰۵۰۶۰۲۸
تاریخ انتشارنویت دوم: یکشنبه ۱۴۰۵۰۷۰۱۲
احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا م الف: ۶۹۶

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۲۶۰۸۰۰۳۲۶۵ تاریخ ۱۴۰۵۰۵۰۵۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۱۵۷۹ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی

محمدامین یقه فرزند جلال الدین شماره شناسنامه و کدملی ۴۹۷۰۴۹۰۳۰۹ صادره آق قلا در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۷۸ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳۳ فرعی از ۲۲ اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه کرد، بخش ۱۲ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی سند مالکیت مشاعی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنویت اول: شنبه ۱۴۰۵۰۶۰۲۸
تاریخ انتشارنویت دوم: یکشنبه ۱۴۰۵۰۷۰۱۲
احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا م الف: ۶۹۲

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۲۶۰۸۰۰۳۲۶۷ تاریخ ۱۴۰۵۰۵۰۵۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۱۵۸۰ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی محمدامین یقه فرزند جلال الدین شماره شناسنامه و کدملی ۴۹۷۰۴۹۰۳۰۹ صادره آق قلا در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۴۳ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳۳ فرعی از ۲۲ اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه کرد، بخش ۱۲ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی سند مالکیت مشاعی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین

آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنویت اول: شنبه ۱۴۰۵۰۶۰۲۸
تاریخ انتشارنویت دوم: یکشنبه ۱۴۰۵۰۷۰۱۲
احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا م الف: ۶۹۳

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۲۶۰۸۰۰۳۲۶۸ تاریخ ۱۴۰۵۰۵۰۵۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۱۵۷۸ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی محمدامین یقه فرزند جلال الدین شماره شناسنامه و کدملی ۴۹۷۰۴۹۰۳۰۹ صادره آق قلا در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۵۰ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳۳ فرعی از ۲۲ اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه کرد، بخش ۱۲ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی سند مالکیت مشاعی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنویت اول: شنبه ۱۴۰۵۰۶۰۲۸
تاریخ انتشارنویت دوم: یکشنبه ۱۴۰۵۰۷۰۱۲
احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا م الف: ۶۹۴

سازمان همیاری شهر داریهای استان گلستان در نظر دارد نسبت به فراخوان عمومی مشارکت در سرمایه گذاری احداث مجتمع گردشگری تفریحی و توریستی واقع در اراضی ساحلی شهر بندرترکمن در عرصه ای به مساحت ۴۵۰۰۰ مترمربع اقدام نماید.

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد فراخوان در ساعات اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۲ لغایت شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۱۸ (در ایام کاری) به دبیرخانه سازمان همیاری شهر داریهای استان گلستان به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

آدرس سازمان: واقع در میدان بسیج - سایت اداری استان - خ شهید گمنام یکم - طبقه اول

زمان دریافت اسناد فراخوان: از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۲ لغایت شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۱۸

پوریا میرزا زنجانی - مدیرعامل سازمان همیاری شهر داریهای استان گلستان - شناسه آگهی ۲۲۹۱۸۷۱



پیاده‌روها، به جای آنکه سهم عابران باشند، گاه به مسیر عبور موتورسیکلت‌ها تبدیل شده‌اند. مهاجرت افزایش یافته و رشد بی‌ضابطه در حاشیه شهر، چهره گرگان را دستخوش تغییر کرده است. ساخت‌وسازهای نامتجانس، نماهای بی‌هویت که گاه از منطق شهر انسان محور فاصله گرفته، سیمای شهری را آشفته کرده است. از سوی دیگر، محرومیت کالبدی در برخی محله‌ها، کمبود فضاهای عمومی و فقدان «مکان‌های سوم»؛ همان فضاهایی که مردم بتوانند فارغ از خانه و محل کار در آنجا یکدیگر را ببینند، گفت‌وگو کنند، مکث کنند و زندگی اجتماعی را تجربه کنند، بیش از گذشته احساس می‌شود.

شاید گرگان بیش از هر چیز به بازگشت زندگی به فضای عمومی نیاز دارد؛ به خیابان‌هایی که فقط محل عبور نباشند، به پیاده‌روهایی که برای پیاده‌ها باشند، به پارک‌ها و میدان‌هایی که محل گفت‌وگو و تعامل شوند، به کتابی که دوباره در شهر دیده شود، به هنر، موسیقی، رنگ و نور، به فضاهایی برای کودکان، جوانان، سالمندان و همه گروه‌های اجتماعی. چرا کوچه‌ها و محله‌های گرگان، روایتگر زندگی و میراث مشاهیر و مفاخرین شهر نباشند؟ چرا دیوارهای شهر، روایتگر تاریخ و فرهنگ آن نباشند؟ چرا نورپردازی و تنوع رنگ، بخشی از زیبایی‌های بصری شهر نشود؟

«

برای گرگان چه باید کرد

حسین جعفری

برای شهری که تنوع قومی و حضور گروه‌های اجتماعی گوناگون، بخشی از هویت آن است؛ شهری با زبان‌ها و گویش‌های متفاوت، با تجربه‌ای هم‌زمان از تفاهم و تقابل، نظم و بی‌نظمی، همزیستی و شکاف. گرگان امروز با پرسش‌های ساده‌ای رویه‌رو نیست. شکاف طبقاتی عمیق‌تر شده و سرمایه اجتماعی و ارتباطی، آن‌گونه که باید، شکل نگرفته است. کتاب از فضای عمومی شهر رخت برپسته، جنگل‌هایمان زیر انبوهی از زباله و پلاستیک نفس می‌کشند و

بمانند، قدم بزنند، گفت‌وگو کنند، یکدیگر را ببینند، احساس تعلق کنند و از حضور در شهر لذت ببرند. شاید وقت آن رسیده باشد که بپرسیم: چه باید کرد تا ظرفیت‌های گرگان را به فرصت‌هایی برای زندگی بهتر، تعامل بیشتر، تعلق اجتماعی و سرزندگی شهری تبدیل کنیم؟

دانش آموخته ی دکتری جامعه شناسی

چرا جنگل، طبیعت و فرهنگ زیست‌محیطی، به بخشی جدایی‌ناپذیر از آموزش و زندگی روزمره شهروندان تبدیل نشود؟ گرگان برای سرزنده‌شدن، فقط به پروژه‌های عمرانی نیاز ندارد؛ به بازتعریف کیفیت زندگی شهری هم نیاز دارد.

شهر سرزنده، شهری نیست که فقط ساختمان‌های بیشتری داشته باشد؛ شهری است که مردم در آن

جملاتی که حال افراد مضطرب را بدتر می‌کند

انجام دهیم: «می‌خوای با هم چند دقیقه قدم بزنیم یا چند نفس عمیق بکشیم؟»

این قدر استرسی نباش

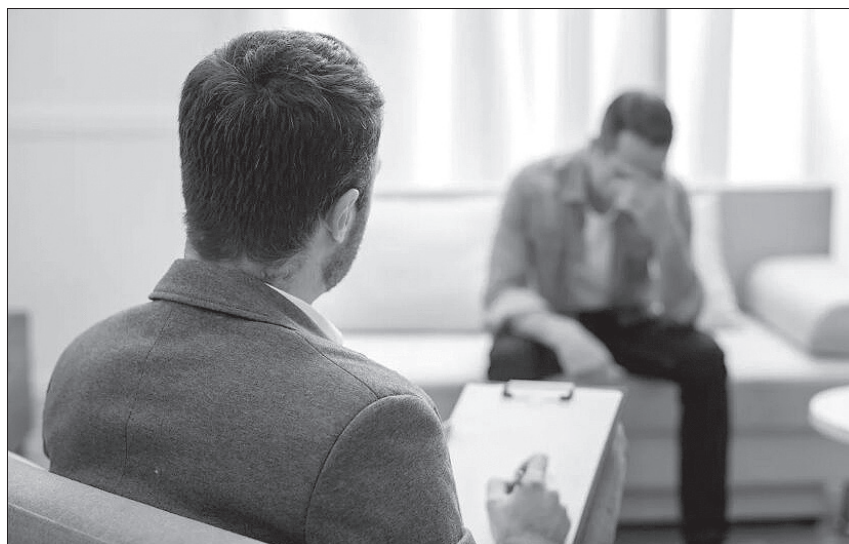
این جمله نوعی سرزنش است که فرد مضطرب را مقصر حال خودش می‌کند. تفاوت بین استرس و اضطراب اینجاست: استرس معمولاً به یک عامل بیرونی مربوط است، اما اضطراب درونی و ذهنی تر است. وقتی می‌گوییم «استرسی نباش»، در واقع به او می‌گوییم احساسش اشتباه است. این امر باعث شرم و گناه می‌شود و ارتباط را قطع می‌کند. جمله‌ای مانند «به نظر میاد فشار زیادی روت هست، دوست داری فضایی بسازیم که آروم‌تر باشی؟» در عوض حس درک و امنیت ایجاد می‌کند.

مرد باش

اضطراب ربطی به جنسیت ندارد، ولی این جمله چنین القا می‌کند که احساس ترس یا نگرانی مخصوص افراد ضعیف است. گفتن «مرد باش» احساسات او را بی‌ارزش و شرم‌آور می‌کند و مانع ابراز درد درونی می‌شود. مردان نیز مانند هر انسان دیگری حق دارند مضطرب باشند و احساساتشان را بیان کنند. جمله‌ی جایگزین بهتر این است: «حق داری نگران باشی، من اینجام و کنارتم.»

من هم استرس دارم

وقتی برای هم‌دردی چنین جمله‌ای می‌گوییم، ناخواسته توجه را از فرد مضطرب به خودمان برمی‌گردانیم. نتیجه این می‌شود که او احساس می‌کند دردش دیده نمی‌شود یا در مقایسه با دیگران بی‌اهمیت است. مقایسه احساسات در چنین شرایطی تقریباً همیشه آسیب‌زاست. در لحظه‌ی اضطراب، فرد فقط به یک شنونده‌ی امن نیاز دارد. کافی است بگوییم: «فعلاً فقط می‌خوام حرفت رو بشنوم، بگو چی اذیتت می‌کنه.» اضطراب یک وضعیت واقعی و پیچیده است، نه ضعف شخصیتی. کمک به فرد مضطرب یعنی درک، گوش دادن بدون قضاوت، و ایجاد حس امنیت. گاهی لازم نیست چیزی بگوییم، فقط حضور آرام و صبورمان بهترین حمایت است.



انقدر فکر نکن

مغز مضطرب در حالت هشدار مداوم قرار دارد و افکار ناخوشایند به‌صورت خودکار تکرار می‌شوند. بنابراین گفتن «انقدر فکر نکن» فقط باعث شرمندگی یا عصبانیت فرد می‌شود، چون او واقعاً نمی‌تواند فکر کردن را متوقف کند. این جمله به جای آرام کردن، حس ناتوانی را افزایش می‌دهد. جمله‌ای مانند «می‌خوای ببینیم کدوم فکرهای بیشتر اذیتت می‌کنه تا با هم بررسیش کنیم؟» حس همراهی و پذیرش به او می‌دهد و فضای گفت‌وگو ایجاد می‌کند.

یک نوشیدنی بخور، حالت خوب می‌شه

پیشنهاد نوشیدنی یا مواد آرام‌بخش نوعی تشویق به فرار از احساسات است، نه مواجهه‌ی سالم با آن‌ها. گرچه ممکن است به طور کوتاه احساس آرامش بدهد، اما در بلندمدت اضطراب را تشدید و رفتار ناسالم را تقویت می‌کند. فرد مضطرب نیاز به حمایت و راه‌حل‌های سالم دارد، نه خوددرمانی. جایگزین مؤثرتر این است که با او فعالیت‌ی آرام‌بخش و سازنده

حالش خوب نیست؛ گفتن چنین عبارتی فقط به اضطراب موجود، ترسی تازه اضافه می‌کند، مثلاً ترس از بیمار شدن. درحالی‌که بدن و ذهن به طور طبیعی در اضطراب واکنش فیزیکی نشان می‌دهند، یادآوری خطر در آن لحظه نتیجه‌ی معکوس دارد. جمله‌ای مثل «می‌دونم این فشار بدنت رو خسته کرده، بیا ببینیم چطور می‌تونیم آروم‌تر کنیم» کمک‌کننده‌تر است.

برو استراحت کن

استراحت خوب است، اما دادن دستور مستقیم برای استراحت به فرد مضطرب بی‌نتیجه است. کسی که ذهنش درگیر افکار تکرارشونده است، نمی‌تواند با فرمان آرام باش یا برو بخواب آرام شود. چنین عبارتی فقط باعث می‌شود او احساس ناتوانی کند و فکر کند حتی در استراحت هم ناکام است. بهتر است به جای دستور دادن، انتخاب را در اختیارش بگذاریم: «اگه بخوای کمی آروم بشی، فکر می‌کنی چی کمکت می‌کنه؟ قدم زدن؟ حرف زدن؟ یا به آهنگ آرام؟»

دیدن اضطراب یک دوست یا عزیز، ما را به تلاش برای آرام کردن او و می‌دارد، اما بسیاری از جمله‌هایی که از سر محبت می‌گوییم، نتیجه‌ی عکس دارند. دلیلش ساده است: فرد مضطرب قادر نیست احساسش را با منطق کنترل کند. به گزارش ایران‌زندگی، اضطراب یک واکنش واقعی و غیرارادی است، نه ضعف یا بی‌ارادگی. پس بهتر است بدانیم چه جمله‌هایی ناخواسته باعث فشار بیشتر می‌شوند و چگونه می‌توانیم جایگزین‌های همدلانه‌تر استفاده کنیم.

نگران نباش

این جمله شاید دلسوزانه باشد، اما برای فرد مضطرب نه تنها اثری ندارد بلکه حس بی‌توجهی را منتقل می‌کند. فردی که اضطراب دارد از نگرانی خود آگاه است، اما نمی‌تواند آن را متوقف کند. وقتی به او می‌گوییم «نگران نباش»، در واقع احساساتش را کوچک و غیرمنطقی جلوه داده‌ایم. در نتیجه، او احساس می‌کند جدی گرفته نمی‌شود و بیشتر در خود فرو می‌رود. جمله‌ای مانند «می‌فهمم الان نگرانی خیلی اذیتت می‌کنه، می‌خوای برام تعریف کنی چه چیزی باعثش شده؟» به او حس درک و امنیت می‌دهد.

به خودت متکی باش

در لحظه‌های اضطراب، مغز و بدن پر از فشار است، تمرکز و تصمیم‌گیری سخت می‌شود و فرد حس ناتوانی می‌کند. توصیه‌ی «به خودت متکی باش» در این موقعیت سنگین به نظر می‌رسد؛ گویی ما باری تازه به دوش او گذاشته‌ایم. این نوع جمله به جای اینکه قدرت بدهد، احساس ضعف را بیشتر می‌کند. بهتر است با همراهی و همکاری، حس حمایت ایجاد کنیم: «دوست داری با هم ببینیم الان چه کاری می‌تونه حالت رو بهتر کنه؟ من کنارتم.»

این جوری خودت را مریض می‌کنی

این جمله در ظاهر هشداردهنده است اما در واقع تهدیدآمیز و ترس‌زاست. فرد مضطرب خود می‌داند که

آرامش کوتاه مدت، وابستگی بلندمدت با گوشی

قبل از اینکه بگوییم «چرا بچه‌ام این قدر گوشی دستش می‌گیرد؟» این باشد: «من چند بار در روز جلوی او گوشی‌ام را بی‌دلیل چک می‌کنم؟»

اشتباه پنجم: برای کودک گوشی می‌خریم، اما «قانون استفاده» را به او نمی‌گوییم

داشتن گوشی به خودی خود تعیین‌کننده میزان استفاده کودک از آن نیست. ممکن است یک کودک گوشی شخصی داشته باشد و مصرفش بسیار کنترل‌شده باشد و کودک دیگری فقط به گوشی والدین دسترسی داشته باشد اما ساعت‌ها درگیر صفحه‌نمایش شود.

مسئله، مجموعه‌ای از عادات هاست: چه

محتوایی؟ چه زمانی؟ کجا؟ با چه کسی؟

برای چه هدفی؟

گزارش ۲۰۲۵ Common Sense درباره کودکان صفر تا هشت سال نشان می‌دهد نزدیک به یک‌چهارم کودکان تا هشت سالگی تلفن همراه شخصی دارند و ۴۰ درصد کودکان تا دو سالگی تبلت دارند. در همین گزارش، زمان کلی استفاده از صفحه‌نمایش برای این گروه سنی حدود ۲.۵ ساعت در روز گزارش شده و بازی دیجیتال نسبت به چهار سال قبل ۶۵ درصد افزایش یافته است. اما یک عدد دیگر از همین گزارش شاید از همه مهم‌تر باشد: ۷۵ درصد والدین کودکانی که از رسانه استفاده می‌کنند، هیچ ابزار یا تنظیماتی برای محدود کردن زمان صفحه‌نمایش به کار نمی‌برند. یعنی مسئله فقط «بچه‌ها زیاد گوشی استفاده می‌کنند» نیست؛ گاهی خانواده اصلاً یک نظام مشخص برای استفاده از رسانه ندارد. محروم کردن ناگهانی کودک از گوشی، در بسیاری از خانواده‌ها فقط به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل می‌شود. راهکار مؤثرتر این است که قانون را از «کودک» به «خانواده» منتقل کنیم. یعنی به جای اینکه بگوییم: «تو نباید گوشی دست بگیر.» بگوییم: «در خانه ما، هنگام غذا گوشی نداریم.» این تفاوت کوچک بسیار مهم است چون کودک احساس نمی‌کند قانون فقط برای او ساخته شده است.

برای گوشی جایگزین بسازیم

اگر قرار است صفحه‌نمایش کمتر شود، باید چیزی در زندگی کودک بیشتر شود. بازی، دوچرخه، پارک، کتاب، نقاشی، آشپزی با پدر و مادر، کمک کردن در کار خانه و... آکادمی پزشکی اطفال آمریکا هم در برنامه رسانه‌ای خانواده بر این نکته تأکید دارد که استفاده از رسانه نباید فعالیت‌های مهم رشد، از جمله خواب، فعالیت بدنی و ارتباط حضوری را کنار بزند. در واقع، هدف این نیست که کودک را از دنیای دیجیتال بیرون بکشیم؛ چنین چیزی نه ممکن است و نه لزوماً مطلوب. هدف این است که گوشی یکی از بخش‌های زندگی کودک باشد، نه مرکز زندگی او. قبل از گرفتن گوشی از دست کودک، گوشی را از دست خودمان زمین بگذاریم. گاهی ما از کودک انتظار داریم بتواند در برابر چیزی مقاومت کند که خودمان هم در برابرش چندان مقاوم نیستیم. کودکی که می‌بیند بزرگ‌ترها در هر لحظه‌ای از روز را با اسکرول کردن پر می‌کنند، طبیعی است که صفحه‌نمایش را یکی از جذاب‌ترین پاسخ‌ها به زندگی بداند. بنابراین اصلاح رابطه کودک با گوشی، از رفتار خانواده شروع می‌شود. از اینکه وقتی کودک حرف می‌زند، گوشی را کنار بگذاریم و به چشم‌هایش نگاه کنیم. از اینکه وقتی بی‌حوصله شد، بلافاصله گوشی را به او ندهیم. از اینکه اجازه دهیم گاهی منتظر بماند، حوصله‌اش سر برود، شکست بخورد، ناراحت شود و آرام‌آرام یاد بگیرد احساساتش را بدون بازی با گوشی مدیریت کند.



نیز در توصیه‌های مربوط به کودکان زیر پنج سال بر اهمیت جایگزین کردن زمان بی‌تحرکی با بازی فعال و فعالیت‌های تعاملی غیرصفحه‌ای مانند کتاب‌خوانی، قصه‌گویی، آواز خواندن و پازل تأکید کرده است. بنابراین سؤال فقط این نیست که «کودک روزی چند دقیقه گوشی دستش است؟» سؤال مهم‌تر این است: اگر گوشی را از او بگیریم، چه جایگزینی برای او داریم؟ اگر پاسخ «هیچ چیز» باشد، احتمالاً مسئله فقط محدود کردن گوشی نیست؛ مسئله، خالی بودن زندگی کودک از جایگزین‌های جذاب و واقعی است.

اشتباه سوم: گوشی را جایزه می‌کنیم

«اگر غذا تو بخوری، گوشی می‌دم.»
«اگر مشقت رو بنویسی، نیم ساعت بازی کن.»
«اگر ساکت باشی، می‌تونم با گوشی بازی کنی.»
این روش در کوتاه‌مدت جواب می‌دهد؛ کودک رفتار موردنظر ما را انجام می‌دهد و ما هم احساس می‌کنیم یک ابزار مؤثر تربیتی در اختیار داریم. اما با تکرار این الگو، گوشی از یک وسیله معمولی به کالای بسیار باارزش تبدیل می‌شود. در نتیجه ممکن است ارزش خود فعالیت‌های دیگر پایین‌تر به نظر برسد؛ چون جذاب‌ترین جایزه همیشه در پایان آنها قرار گرفته است. به همین دلیل بهتر است همه چیز را به جنگ «محرومیت از گوشی» تبدیل نکنیم. قرار نیست گوشی آن قدر جذاب تعریف شود که تمام زندگی کودک در مقایسه با آن کسل‌کننده به نظر برسد.

اشتباه چهارم: خودمان مدام گوشی دستمان است اما از کودک انتظار دیگری داریم

این شاید سخت‌ترین قسمت ماجرا باشد. والد می‌گوید: این قدر گوشی دستت نباشه. کودک به اطراف نگاه می‌کند و می‌بیند پدر هنگام تماشای تلویزیون تلفن همراهش را چک می‌کند؛ مادر هنگام بازی با او پیام می‌دهد؛ سر میز غذا گوشی روی میز است؛ در مهمانی، بزرگ‌ترها سرشان در گوشی است. کودک شاید چیزی نگوید، اما الگو را می‌بیند. آکادمی پزشکی اطفال آمریکا نیز «الگو بودن والدین» را بخش مهمی از مدیریت رسانه می‌داند و تأکید می‌کند برنامه رسانه‌ای خانواده باید والدین را هم شامل شود، نه اینکه فقط برای کودک قانون نوشته شود. حتی یک مطالعه جدیدتر روی ۳۰۰۰ دانش‌آموز پایه چهارم نیز نشان داده بود استفاده از تلفن همراه در تعامل والد و کودک با استفاده مسئله‌ساز کودک از گوشی ارتباط دارد و رابطه والد و کودک و سبک فرزندپروری در این ارتباط نقش واسطه‌ای دارند. پس شاید اولین سؤال

«کودک گریه می‌کند؛ گوشی.»
«کودک عصبانی است؛ گوشی.»
«در مطب منتظریم؛ گوشی.»
«در رستوران بی‌قرار شده؛ گوشی.»
«در ماشین حوصله‌اش سر رفته؛ گوشی.»

والدین ممکن است از سرخستگی یا برای اینکه موقعیت را مدیریت کنند چنین کاری کنند؛ اما اگر این اتفاق مرتب تکرار شود، کودک فرصت کمتری پیدایی کند تا مهارت‌های دیگری برای تحمل ناراحتی، انتظار، بی‌حوصلگی و تنظیم هیجان یاد بگیرد. جالب اینکه داده‌های «Common Sense Census ۲۰۲۵» درباره کودکان صفر تا هشت سال در آمریکا نشان می‌دهد این رفتار چقدر رایج است: ۶۶ درصد والدین گفته‌اند دست‌کم گاهی از رسانه برای سرگرم نگه داشتن کودک وقتی خودشان کاری دارند یا به زمانی برای خود نیاز دارند استفاده می‌کنند؛ ۴۷ درصد از رسانه به عنوان پاداش رفتار خوب استفاده می‌کنند و ۲۵ درصد نیز گفته‌اند گاهی از رسانه برای آرام کردن کودک عصبانی یا ناراحت استفاده می‌کنند. همچنین ۱۷ درصد گفته‌اند کودکشان گاهی یا اغلب از یک وسیله همراه برای آرام شدن هنگام عصبانیت، ناراحتی یا غم استفاده می‌کند. این اعداد را نباید به همه خانواده‌های دنیا تعمیم داد، اما یک الگوی مهم را نشان می‌دهد: تلفن همراه در بسیاری از خانواده‌ها فقط وسیله سرگرمی نیست؛ به ابزار مدیریت رفتار و هیجان تبدیل شده است. و این همان جایی است که باید تأمل کرد. اگر هر بار کودک ناراحت می‌شود، پیش از آنکه فرصت پیدا کند با ناراحتی خودش کنار بیاید، یک صفحه روشن جلوی او بگذاریم، ممکن است ناخواسته به او یاد بدهیم که برای فرار از احساس ناخوشایند، همیشه باید چیزی بیرون از خودش پیدا کند.

اشتباه دوم: گوشی را جای «حوصله سر

رفتن» می‌گذاریم

ما بزرگ‌ترها گاهی از بی‌حوصلگی فرار می‌کنیم و همان را از کودک هم دریغ می‌کنیم.
«کودک در ماشین نشسته و به بیرون نگاه می‌کند؛ گوشی.»
«در صف ایستاده؛ گوشی.»
«در رستوران منتظر غذاست؛ گوشی.»
«در خانه چند دقیقه کاری برای انجام دادن ندارد؛ گوشی.»
«در حالی که بی‌حوصلگی الزاماً یک مشکل نیست، بخشی از بازی، تخیل و خلاقیت کودک دقیقاً از همین خلأها شروع می‌شود. کودک وقتی هیچ سرگرمی آماده‌ای جلویش نیست، مجبور می‌شود چیزی بسازد، داستانی خلق کند، با خواهر و برادرش بازی کند، سؤال بپرسد یا حتی مدتی فقط مشاهده کند. سازمان جهانی بهداشت

شاید عادت کودک به گوشی از همان جایی شروع شود که برای چند دقیقه آرامش، تلفن همراه را جلوی چشمش می‌گیریم؛ پنج دقیقه‌ای که کم‌کم می‌شود راه‌حل هر بی‌حوصلگی، گریه و سکوت. به گزارش ایرنا زندگی، کودک بی‌قرار است، غذا نمی‌خورد، در ماشین حوصله‌اش سر رفته یا مادر و پدر فقط چند دقیقه سکوت می‌خواهند. گوشی را دستش می‌دهیم و ناگهان همه چیز آرام می‌شود. کودک ساکت می‌شود، غذا می‌خورد، در صندلی ماشین می‌نشیند و والدین هم نفسی تازه می‌کنند. چند روز بعد، همان پنج دقیقه می‌شود ده دقیقه. بعد گوشی تبدیل می‌شود به راه‌حل همیشگی بی‌حوصلگی. کودک وقتی ناراحت است گوشی می‌خواهد، وقتی منتظر است گوشی می‌خواهد، وقتی غذا می‌خورد گوشی می‌خواهد و حتی گاهی برای خوابیدن هم به صفحه‌نمایش نیاز پیدا می‌کند. آن وقت یک روز والدین با نگرانی می‌گویند: «بچه‌ام به گوشی وابسته شده؛ چه کار کنیم؟» اما شاید بخشی از ماجرا را باید چند قدم عقب‌تر دید؛ به همان روزهایی که گوشی را نه به عنوان یک وسیله سرگرمی، بلکه به عنوان پستانک دیجیتال، پرستار، جایزه، آرام‌کننده و راه فرار از بی‌حوصلگی وارد زندگی کودک کردیم. این البته به معنای مقصر دانستن والدین نیست. پدر و مادر امروز در شرایطی زندگی می‌کنند که کار، خستگی، فشار اقتصادی، کمبود وقت و دسترسی دائمی به فناوری، مدیریت رسانه را بسیار دشوار کرده است. مسئله این نیست که گوشی بد است یا والدین نباید از تلفن همراه استفاده کنند. مسئله این است که کودک چه زمانی، برای چه کاری، با چه محتوایی و در چه شرایطی از صفحه‌نمایش استفاده می‌کند؛ و مهم‌تر از همه، خودش چه الگویی از مصرف رسانه در خانه می‌بیند. حتی آکادمی پزشکی اطفال آمریکا در توصیه‌های جدید خود تأکید می‌کند که مسئله را نمی‌توان فقط با یک عدد ثابت برای ساعت مجاز صفحه‌نمایش حل کرد؛ سن، مرحله رشد، نوع محتوا، کیفیت استفاده و این که رسانه چه فعالیت‌هایی مانند خواب، بازی، تحرک و ارتباط خانوادگی را کنار می‌زند، اهمیت دارد.

ما فقط گوشی را به کودک نمی‌دهیم؛ یک

«الگوی رفتاری» به او می‌دهیم

کودک بیش از آنکه به توصیه‌های ما گوش کند، رفتار ما را تماشا می‌کند. اگر هنگام غذا خوردن مدام گوشی را چک کنیم، اگر وسط بازی کودک پیام‌هایمان را جواب بدهیم، اگر هر بار چند دقیقه سکوت خواستیم خودمان به سراغ تلفن همراه برویم، برای کودک یک پیام ساده شکل می‌گیرد: هر وقت حوصله‌ام سر رفت، ناراحت شدم یا چیزی برای انجام دادن نداشتم، تلفن همراه راه‌حل است. پژوهشگران برای دخالت گوشی در تعامل والد و کودک اصطلاح «Technoference» را به کار می‌برند؛ یعنی تلفن همراه آن قدر وارد تعامل روزمره می‌شود که ارتباط والد و کودک را قطع یا مختل می‌کند. در یک مطالعه روی خانواده‌های دارای کودک خردسال، استفاده مسئله‌ساز والدین از تلفن همراه با وقفه بیشتر در تعامل والد و کودک ارتباط داشت و این وقفه نیز با مشکلات رفتاری کودک مرتبط بود. حتی پژوهش منتشرشده در سال ۲۰۲۶ روی ۶۲۱ والد کودکان ۳ تا ۱۲ ساله نشان داد «استفاده والدین از گوشی» و اختلالی که این استفاده در تعامل آنها با کودک ایجاد می‌کند، با عملکردهای اجرایی والد و کودک ارتباط دارد؛ البته این مطالعه نیز درباره رابطه‌هاست و نباید از آن نتیجه علت و معلولی قطعی گرفت.

اشتباه اول: گوشی را تبدیل به «آرام‌کننده»

می‌کنیم

یکی از خطرناک‌ترین عادات‌ها شاید همین باشد.